



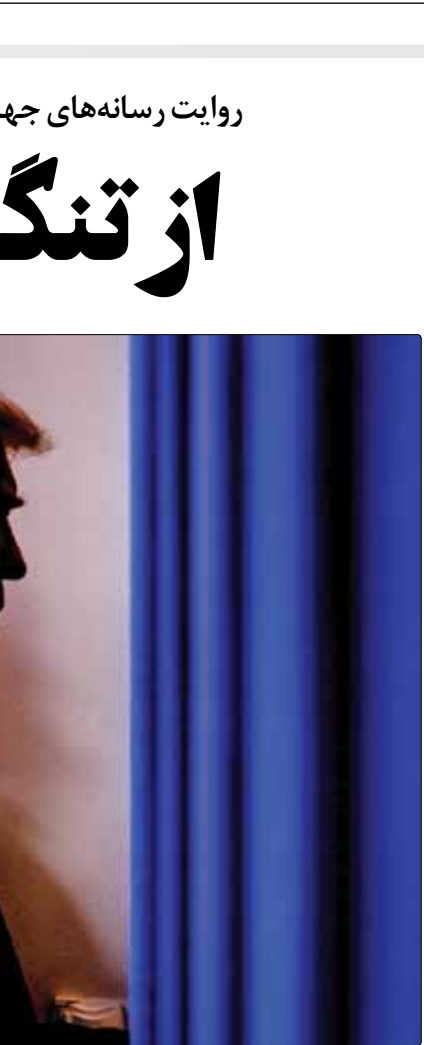
حملات احتمالی ایالات متحده به ایران را لغو کرده است. الگوی تکراری عقب‌نشینی، نه یک اتفاق موردی، بلکه نشانه‌ای از بن‌بست راهبردی واشنگتن در برابر تهران است؛ بن‌بستی که هر بار با تهدیدهای تند و اعلام آمادگی برای «ضربه سخت» آغاز می‌شود و پس از چند روز با اعلام لغو یا تعلیق عملیات به پایان می‌رسد.

درست به فاصله یک روز پس از آنکه رسانه‌های آمریکا و البته خود ترامپ مدعی شدند حملات سخت و گسترده به زیرساخت‌های انرژی و پالایشگاه‌های ایران قریب‌الوقوع است و حتی به طور تلویحی از روز یکشنبه به عنوان روز انجام این حمله یاد می‌کردند، روز گذشته رئیس دولت آمریکا در شبکه اجتماعی خود اعلام کرد این حمله را موقتاً لغو کرده است. ترامپ در پستت خود مدعی شد آمریکا همچنان «آماده و مسلح» است اما به درخواست ایران(۱) و کشورهای منطقه و به دلیل آنکه «چار چوب یک توافق» حاصل شده، حمله را لغو کرده است. او ادعا کرد این توافق شامل بازگشایی فوری و کامل تنگه هرمز از سوی ایران است.

برای تکمیل این ادعا، باراک رابید، خبرنگار پایگاه خبری آکسیوس در گفت‌وگو با شبکه ۱۲ رژیم صهیونیستی مدعی شد ایران با طرح میانجیانی که از طرف آمریکا مأمور مذاکره هستند درباره تنگه هرمز موافقت کرده است. این در حالی است که بلافاصله پس از ادعای رابید، منابع آگاه ایرانی چنین چیزی را از اساس تکذیب و اعلام کردند قرار نیست هرمز به شرایط پیش از جنگ بازگردد و تازمانی که آمریکا به اقدامات خصمانه‌اش ادامه دهد، تنگه بسته خواهد ماند.

■ **چرا باور ادعای ترامپ ساده‌لوحانه است؟**

در ا تبساط با چرایی لغو حملات قریب‌الوقوع آمریکا به زیرساخت‌های ایران، ساده‌لوحی است که کسی بخواند ادعای رئیس‌جمهور آمریکا را بپذیرد. رسانه‌های آمریکا و غرب اتفاقاً تحلیل‌ها و خبرهای جالبی درباره چرایی عقب‌نشینی چندباره ترامپ از تهدید ایران منتشر کرده‌اند. البته پیش از هر چیز باید توجه داشت وی ادعا کرده «فعلاً» حمله را لغو کرده و به همین دلیل نیاید از عقب‌نشینی مطلق او از تهدید ایران صحبت کرد. با این حال، رسانه‌های آمریکا و غرب معتقدند این عقب‌نشینی نه به دلیل بازگشت دوباره به میز مذاکره یا موافقت ایران با بازگشایی هرمز، بلکه به دلیل هشدار ایران به کشورهای متحد آمریکا در منطقه، از جمله سعودی است. در همین رابطه، پایگاه آکسیوس که رسانه‌ای نزدیک به ترامپ و محافل صهیونیست محسوب می‌شود، گزارش داد ویلچهد سعودی روز شنبه با ترامپ تماس گرفت و نگرانی خود



را از حمله گسترده جدید آمریکا به ایران ابراز کرد. بر اساس گزارش آکسیوس، منابع آمریکایی گفته‌اند محمد بن سلمان شخصاً از رئیس‌جمهور آمریکا خواست تنش را کاهش دهد و از انجام حملات خودداری کند. این تماس در شرایطی انجام شد که پیش‌تر نیز وزیر دفاع عربستان با معاون رئیس‌جمهور آمریکا دیدار کرده و پیام ریاض مبنی بر ترجیح کاهش تنش را منتقل کرده بود. همزمان کشورهای دیگری مانند قطر و امارات نیز برای کاهش تنش به ترامپ فشار آورده‌اند.

جدا از این ادعا، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه در تماس‌هایی با مقامات پاکستان، ترکیه و به‌ویژه سعودی تأکید کرده بود هر گونه اقدام خصمانه آمریکا یا اسرائیل و همکاری کشورهای منطقه با آن، با پاسخ قاطع و متناسب نیروهای مسلح ایران مواجه خواهد شد. نیروهای مسلح ایران هم هشدار داد هر اقدامی علیه زیرساخت‌های انرژی ایران، نابودی زیرساخت‌ها و تأسیسات متحدان منطقه‌ای ایالات متحده را در پی خواهد داشت.

روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی، جزئیات بیشتری از عقب‌نشینی رئیس‌جمهور آمریکا منتشر کرد. رسانه انگلیسی نوشت ترامپ پس از درخواست متحدانش در خلیج فارس، حمله را لغو کرد. دیپلمات‌هایی که از مذاکرات مطلع بودند، به فایننشال تایمز گفتند مقامات قطر، عربستان و امارات به صورت هماهنگ با طرف‌های آمریکایی تماس گرفتند و از واشنگتن خواستند به مسیر دیپلماسی پایبند بماند و از

روایت رسانه‌های جهان از پشت پرده ادعای ترامپ مبنی بر عقب‌نشینی از حمله به ایران

از تنگه تا تنگنای سعودی

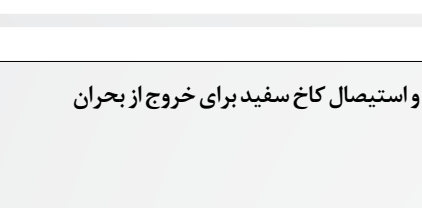


حملات خودداری کند. عربستان نیز به طور رسمی اعلام کرد بن سلمان در تماس با ترامپ بر اهمیت تلاش برای ایجاد آرامش، حفظ امنیت و ثبات منطقه و جلوگیری از درگیری گسترده‌تر تأکید کرده است.

فایننشال تایمز اضافه کرد کشورهای خلیج فارس نگرانند: از سرگیری حملات آمریکا به ایران، دور جدیدی از درگیری‌های شدید را رقم بزند که به جبهه‌های متعدد گسترش یابد و منطقه را در هرج و مرج بیشتری فروبرد. نگرانی دیگر آنها این بود که تشدید جنگ باعث شود انصارالله یمن که در هفته‌های اخیر درگیری خود با عربستان را تشدید کرده، تلاش کند تنگه باب‌المندب را کاملاً ببندد؛ تنگه‌ای حیاتی که دریای سرخ را به خلیج عدن و اقیانوس هند متصل می‌کند.

افزون بر این، رسانه‌های آمریکا در روزهای اخیر بارها به وضعیت بحرانی ذخایر موشک‌های رهگیر آن کشور اشاره کرده‌اند. موجودی سامانه‌های پاتریوت و تاد در پی ماه‌ها درگیری با ایران به‌شدت کاهش یافته و پنتاگون دیگر نمی‌تواند با همان شدت قبل از پایگاه‌ها و متحدانش دفاع کند. کمبود ذخایر دفاعی، یکی از عواملی بود که به نوشته فایننشال تایمز باعث شد مشاوران نزدیک ترامپ هم او را از انجام حمله گسترده به زیرساخت‌های انرژی ایران بر حذر دارند.

چون پاسخ ایران می‌توانست ذخایر باقیمانده را بیش از پیش تهی کند و آمریکا را در موقعیت دفاعی بسیار ضعیف‌تری در برابر ایران قرار دهد.



کاخ سفید ـ که خواست نامش فاش نشود تا بتواند درباره گفت‌وگوهای خصوصی صحبت کند ـ گفت: کاخ سفید در حال حاضر «در بالاترین سطح استیصال قرار دارد و مقامات بسیار اربند به من گفته‌اند رئیس‌جمهور اکنون کاملاً آگاه است که راه رسیدن به پیروزی مدنظرش، از نظر سیاسی کاملاً غیرممکن است. مردم آمریکا به‌سادگی از نوع تشدید تنش‌ی که در این مقطع لازم است، حمایت نخواهند کرد». وی افزود، ما با شمار بیشتری از کشته‌شدگان آمریکایی و یک وضعیت از نظر سیاسی مبهم روبه‌رو هستیم. در حالی که رئیس‌جمهور ۳ ماه مانده به انتخابات میان‌دورای ـ انتخاباتی که انتظار می‌رود حول محور مسائل مربوط به هزینه‌های زندگی بچرخد ـ برای یافتن راهی جهت خروج از یک جنگ نامحبوب و پرهزینه دست‌وپنجه نرم می‌کند. فضای حاکم بر کارکنان کاخ سفید و متحدان خارجی آنها تیره و تار است.

بر اساس گزارش پلیتیکو، در سالی که ترامپ انتظار می‌رفت تمام تمرکز خود را بر مسائل وحیم اقتصادی در آمریکا بگذارد، عملاً دوره‌گردی شده که مجبور است از این شهر به آن شهر جنگ علیه ایران را توجیه کند «انتظار می‌رفت رئیس‌جمهور امسال را در یک تور پیروزی با محوریت مسائل مربوط به مقرون‌به‌صرفه بودن هزینه‌ها بگذراند و به تبلیغ درباره کاهش

مالیات‌های محبوب خود، حساب‌های ترامپ برای نوزادان و کاهش قیمت داروها بپردازد اما در عوض، برنامه سفرهای داخلی او با بازدید از پایگاه نیروی هوایی «دور» برای نظارت بر انتقال محترمانه بقایای ده‌ها سرباز کشته‌شده مخدوش شده و او در جریان گردهمایی‌های انتخاباتی‌وار خود مجبور شده بارها و بارها برای مردم آمریکا استدلال کند بهای جنگ که ملموس‌ترین شکل آن افزایش قیمت در پمپ بنزین‌هاست، ارزش پایان دادن به برنامه هسته‌ای ایران را دارد.

وقتی اوضاع برای بدنه رای وفادار به ترامپ چنین تیره است، واضح است باقی رای‌دهندگان دید بسیار تیره‌تری به وی و عملکردش دارند: «جدیدترین نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد رای‌دهندگان غیر ماگی ترامپ حتی نسبت به جنگ بدبین‌تر هستند، طوری که تنها ۲۱ درصد بر این باورند این جنگ ارزش هزینه‌های بالاتر را دارد، در حالی که ۷۸ درصد می‌گویند ایالات متحده نباید بدون در نظر گرفتن هزینه‌ها به جنگ ادامه دهد. نتایج نشان می‌دهد رای‌دهندگان به رئیس‌جمهور به طور گسترده‌ای تمایل دارند جنگ را مقصر افزایش قیمت‌ها بدانند. هنگامی که پرسیده شد چرا قیمت بنزین از زمان روی کار آمدن ترامپ افزایش یافته است، اکثر پاسخ‌دهندگان درگیری با ایران را مقصر دانستند، از جمله

۴- سخن آخر درباره بازگشت به شهر و شکل‌گیری مقاومت تمدنی اکنون این پرسش بنیادین ذیل چارچوب فکری ویکتور ترنر، پیش می‌آید: کامونیتاس تا بد پایدار می‌ماند؟ ترنر اشکالاً معتقد است کامونیتاس نمی‌تواند به طور دائم و روئین برقرار بماند. هیچ جماعتی که بنیادهايش «این جهانی» است توان زیست همیشگی در شرایط در آستانگی را ندارد؛ سرانجام سفر پایان می‌پذیرد، زائر ناگزیر از ادغام دوباره اجتماعی می‌شود، ساختار بار دیگر بر او تحمیل می‌شود و او ناچار به از سرگیری کار و روزمرگی این جهان گذار است.

آیا این بدان معناست که زیستن اربعینی حرکتی عقیم و گذرانست؟ به هیچ‌وجه! هنر مناسک اربعین، در همین بسترسازی آن برای مقاومت تمدنی نهفته است. به تعبیر ترنر، زائر آنگاه که به

انرژی ایران، با حمله به میادین نفتی عربستان و امارات، میدان‌های گازی قطر و اسرائیل پاسخ داده خواهد شد. همزمان کویت مورد حمله پهنادی ایران قرار گرفت و ۲ کشتی در نزدیکی عمان هدف حمله واقع شدند. این تحولات ظاهراً ترامپ را به فکر واداشت و او را مجبور کرد با وجود ادعای «آماده بودن» حمله را لغو کند.

در همین بستر، مجله پلیتیکو، دیگر رسانه آمریکایی نیز در تحلیلی که روز گذشته منتشر کرد، وضعیت ترامپ را بن‌بست کامل توصیف کرد. این رسانه نوشت ایران به‌روشنی اعلام کرده قیمت پایان خصومت‌ها، کنترل بر تنگه هرمز است؛ چیزی که از نظر سیاسی برای کاخ سفید غیرقابل قبول است. ادامه درگیری‌های محدود نیز به همان اندازه ناپایدار است.

به گزارش پلیتیکو، مقامات سابق دولت ترامپ به این رسانه گفتند ایران احساس قدرت و جسارت می‌کند و حاضر به امتیاز دادن نیست. یکی از مقامات سابق تأکید کرد تهران می‌خواهد اصل دریافت پول برای عبور از تنگه را به عنوان امتیاز سیاسی تثبیت کند تا کنترل خود را در روبه دیپلماتیک و حقوق عرفی جا بیندازد. مقامات فعلی کاخ سفید، از جمله مارکو روبیو، وزیر خارجه، هشدار داده‌اند پذیرش چنین چیزی توانایی آینده آمریکا برای تحریم ایران را تضعیف و سابقه‌ای خطرناک ایجاد می‌کند. پلیتیکو اضافه کرد با نزدیک شدن انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره و افزایش قیمت بنزین در ایالات متحده، فشار سیاسی بر ترامپ بیشتر شده است. گزینه‌های پیش روی او همه نامطلوب هستند: پذیرش رسمی کنترل ایران بر هرمز، تشدید حملات بدون تضمین عقب‌نشینی تهران یا ادامه وضعیت فرسایشی فعلی. تحلیلگران می‌گویند ایران در حال حاضر اعتماد به نفس بالایی دارد و حتی ممکن است این وضعیت را فرصتی برای وارد آوردن ضربه نهایی بداند که ترامپ را وادار به تسلیم کند.

اگر ادعاو تظاهر ترامپ را کنار بگذاریم و ادعای تکذیب‌شده خبرنگار نزدیک به محافل صهیونیست را هم فاکتور بگیریم، آنچه از مجموع گزارش‌های رسانه‌هایی مثل فایننشال تایمز، گاردین و پلیتیکو برمی‌آید، این است که عقب‌نشینی تازه ترامپ از تهدید حمله به زیرساخت‌های انرژی ایران، نه حاصل توافق واقعی یا بازگشت تهران به میز مذاکره و موافقت با بازگشایی تنگه هرمز، بلکه نتیجه تهدید صریح جمهوری اسلامی مبنی بر گسترش جنگ به خاک کشور ک‌های خاشبه خلیج فارس و به تبع آن، فشار مستقیم متحدان منطقه‌ای آمریکا به آن کشور است. ترامپ برای دهمین بار در این جنگ ۵ ماهه از موضع تهدید حدانگری عقب نشست، در حالی که ایران همچنان کنترل عملی بر تنگه هرمز را حفظ کرده و ابتکار عمل میدانی را در مهم‌ترین و راهبردی‌ترین آبراه دنیا در دست دارد. به همین دلیل، ادعای لغو موقت ایجاد چارچوب توافق از سوی رئیس‌جمهور آمریکا، پوششی برای پنهان کردن محدودیت‌های راهبردی واشنگتن در برابر تهران، به‌ویژه در هرمز است.

گزارشی از نتایج جدیدترین نظرسنجی‌ها درباره تشدید مخالفت طرفداران ترامپ با جنگ آمریکا علیه ایران و استیصال کاخ سفید برای خروج از بحران

سرخوردگی جنگی

۵۷ درصد رای‌دهندگان ماگا و ۶۳ درصد رای‌دهندگان غیر ماگای ترامپ، پلیتیکو استدلال می‌کند آمریکایی‌ها واقعاً نمی‌دانند چرا ترامپ تصمیم به جنگ گرفت و از این موضوع خشمگندند. در عین حال سرخوردگی جایی بیشتر می‌شود که بسیاری از استراتژیست‌های آمریکایی هم مدت‌ها پیش هشدار داده بودند نباید با ایران جنگید: «جمهوری خواهان سرشناس، از جمله استراتژیست‌های رقابت‌های کلیدی، ۵ ماه گذشته را صرف هشدار دادن درباره تأثیر واکنش‌های منفی به جنگ ایران بر شانس آنها برای حفظ مجلس نمایندگان و سنا کرده‌اند، طوری که سرخوردگی‌های ناشی از جنگ در رقابت‌های تنگاتنگ در سراسر آمریکا در حال نمایان شدن است. کرت میلز، مدیر اجرایی مجله محافظه‌کار آمریکایی The American Conservative اظهار کرد: این نشان می‌دهد هر قدر دور اول جنگ از فوریه تا اوایل تابستان نامحبوب بود، دور دوم مضحک‌تر است. مردم آمریکا خیلی ساده آن را درک نمی‌کنند، نمی‌فهمند چرا ما در این جنگ هستیم؟ بله، پرزیدنت ترامپ پادشاه حزب جمهوری خواه است، اما اکنون، تنها یک‌سوم آنها چنین نظری دارند. بر اساس نظرسنجی جدید پلیتیکو، این افت شدید و ۱۳ درصدی تنها در عرض ۲ ماه، نشان می‌دهد چگونه سرسخت‌ترین حامیان رئیس‌جمهور در حال همسو شدن با اکثریت آمریکایی‌هایی

اوضاع برای رئیس‌جمهور آمریکا بسیار فاجعه‌بارتر از چیزی است که تصور می‌شود. روزی نیست که داده، آمار یا اطلاعاتی از جامعه آمریکا بیرون بیاید و در آن ترامپ دچار افت شدید محبوبیت یا بالا رفتن میزان نفرت نشده باشد. در یکی از آخرین نظرسنجی‌ها که شرح تفصیلی آن در پایگاه مجله «پلیتیکو» آمده است، تقریباً تمام بدنه رای ترامپ صبرشان را در برابر جنگ علیه ایران از دست داده‌اند و وی در این پایگاه دچار کاهش شدید محبوبیت شده است.

رسانه آمریکایی از این نقطه آغاز می‌کند که نظر بدنه رای ترامپ در رابطه با بسوتمدندی جنگ علیه ایران، در کمتر از ۲ ماه بیش از ۱۳ درصد افت کرده است: «یمنی از پایگاه حامیان «ماگا» متعلق به دونالد ترامپ در ماه مه بر این باور بودند جنگ علیه ایران ارزش هزینه‌های اقتصادی‌اش را دارد اما اکنون، تنها یک‌سوم آنها چنین نظری دارند. بر اساس نظرسنجی جدید پلیتیکو، این افت شدید و ۱۳ درصدی تنها در عرض ۲ ماه، نشان می‌دهد چگونه سرسخت‌ترین حامیان رئیس‌جمهور در حال همسو شدن با اکثریت آمریکایی‌هایی

اوضاع برای رئیس‌جمهور آمریکا بسیار فاجعه‌بارتر از چیزی است که تصور می‌شود. روزی نیست که داده، آمار یا اطلاعاتی از جامعه آمریکا بیرون بیاید و در آن ترامپ دچار افت شدید محبوبیت یا بالا رفتن میزان نفرت نشده باشد. در یکی از آخرین نظرسنجی‌ها که شرح تفصیلی آن در پایگاه مجله «پلیتیکو» آمده است، تقریباً تمام بدنه رای ترامپ صبرشان را در برابر جنگ علیه ایران از دست داده‌اند و وی در این پایگاه دچار کاهش شدید محبوبیت شده است.

رسانه آمریکایی از این نقطه آغاز می‌کند که نظر بدنه رای ترامپ در رابطه با بسوتمدندی جنگ علیه ایران، در کمتر از ۲ ماه بیش از ۱۳ درصد افت کرده است: «یمنی از پایگاه حامیان «ماگا» متعلق به دونالد ترامپ در ماه مه بر این باور بودند جنگ علیه ایران ارزش هزینه‌های اقتصادی‌اش را دارد اما اکنون، تنها یک‌سوم آنها چنین نظری دارند. بر اساس نظرسنجی جدید پلیتیکو، این افت شدید و ۱۳ درصدی تنها در عرض ۲ ماه، نشان می‌دهد چگونه سرسخت‌ترین حامیان رئیس‌جمهور در حال همسو شدن با اکثریت آمریکایی‌هایی

اوضاع برای رئیس‌جمهور آمریکا بسیار فاجعه‌بارتر از چیزی است که تصور می‌شود. روزی نیست که داده، آمار یا اطلاعاتی از جامعه آمریکا بیرون بیاید و در آن ترامپ دچار افت شدید محبوبیت یا بالا رفتن میزان نفرت نشده باشد. در یکی از آخرین نظرسنجی‌ها که شرح تفصیلی آن در پایگاه مجله «پلیتیکو» آمده است، تقریباً تمام بدنه رای ترامپ صبرشان را در برابر جنگ علیه ایران از دست داده‌اند و وی در این پایگاه دچار کاهش شدید محبوبیت شده است.

روزمره ما در چنبره ساختار گرفتار است، قانون دانشگاهی، سلسله‌مراتب شغلی، شگاف میان غنی و فقیر، ثانویان دانشگاهی، مرزهای سخت ملی، آداب پوشش و در نهایت، نظم اقتصاد سرمایه‌داری است. پادساختار آنگاه پدید می‌آید که مناسک آیینی، این نظام سلسله‌مراتبی را به طور موقت درهم می‌شکند و جای آن را بی‌نظمی معنادار و تساوی‌گرایانه می‌گیرد.

با عینک پادساختار، عظمت مقاومت تمدنی اربعین آشکار می‌شود. در نظام مدرن جهانی، ملی‌گرای و گذرنامه به انسان‌ها ارزش می‌بخشد و سرمایه‌داری تعیین می‌کند چه کسی سزوار دریافت کالاست اما پیاده‌روی اربعین همه این مرزبندی‌ها را بی‌اثر می‌کند.

در این مسیر، سلسله‌مراتب منزلت و ثروت فرومی‌ریزد. تاجر ثروتمند، پزشک جراح و کارگر ساده، شانه‌به‌شانه راه می‌روند، لباس غبار آلود می‌پوشند، زیر چادر ساده یک موبک استراحت

می‌کنند و از یک ظرف غذا می‌خورند. نه کارت ویزه‌ای، نه حساب بانکی‌ای و نه جایگاه دانشگاهی‌ای، امتیازی برای کسی نمی‌افریند. هویت زائر، تمام هویت‌های مصنوع مدرن را در خود می‌بلعد و مسطح می‌کند.

در بُعد اقتصادی نیز شاهد نوعی نفی عملی اقتصاد بازار و کاپیتالیسم هستیم. در جهانی که بر سودجویی فردی بنا شده که بنیادش «بخر تا باشی» است، اربعین این منطق و بنیاد را ویران می‌کند و به جای آن، اربعین بخشش را می‌نشاند. از غذا و سرپناه گرفته تا خدمات درمانی، خیاطی و شست‌وشوی لباس، همه در مقیاسی خیره‌کننده و به طور رایگان توزیع می‌شود، بی آنکه دستوری حاکمیتی از بالا قیمت‌گذاری کرده باشد. این تعلیق هژمونی سرمایه، تجلی کامل «پادساختار تری» و کوششی عملی برای نفی سبک زیست غربی است.

در ساحت سیاست نیز «ملی‌گرایی مدرن» که از پیمان «وستفالیا» به این سو، خدایگان نظم سیاسی جهان بوده، رنگ می‌بازد و در دل پادساختار اربعین، ابد امت فراملیمی جان می‌گیرد. مرزبندی ایرانی و عراقی و لبنانی، ذیل این پادساختار به حاشیه می‌رود تا هویتی وحدت‌بخش افزون بر هویت ملی سر برآورد.

۲- زایش کامونیتاس و جماعت اخوت‌محور به مثابه هسته تمدنی تازه

ترنر بر این باور است وقتی ساختارهای طبقه‌بندی و مرزبندی فرومی‌ریزد و وضعیت آستانه شکل می‌گیرد، شگرف‌ترین دستاورد انسانی – کامونیتاس – سر برمی‌آورد. کامونیتاس را در پارسی می‌توان جماعت همگن و بی‌تکلف، پیوند روئی یا مودت هم‌زیستی برابر نامید. کامونیتاس دلالت بر وضعیتی دارد که در آن آدمیان، در اصل‌ترین ساحت وجودی خود و بیرون از نقاب‌های اجتماعی، با یکدیگر پیوند می‌خورند.

کامونیتاس اربعین چیزی فراتر از احساس همدردی ساده است. مودت و همدلی در اینجا به مرزی می‌رسد که ترنر آن را خوشایوندی ژرف در وضع آستانه‌ای می‌نامد. اینجاست که صحنه‌های شگفت‌انگیز این پیاده‌روی رخ می‌نماید. خانواده‌ای در جنوب عراق با اشک تمنا می‌کند رهگذری غریبه، زائری با زبان و قومیتی دیگر، میهمان خانه‌شان شود و تا شب پایهای را مالش دهند، پناهش دهند، سیرش کنند و لم‌باد بدرقاشش کنند. در چارچوب فردگرایی مدرن، رفتار میان میزبان عراقی و میهمان غیرعراقی، نلموچه و بی‌معناست اما بر پایه اندیشه ترنر، آنگاه که دیوارهای اعتباری ساختار فرومی‌ریزد و انسان در پیشگاه امری قدسی می‌ایستد و در اینجا، در پیشگاه محور کامونیتاس

زندگی قاعده‌مند خویش بازمی‌گردد، دیگر همان انسان پیشین نیست، او حامل انرژی تغییر و روحی تازه است. از این رو، همان ساختار اجتماعی حاکم بر کشور خود را با نگاهی دیگر گون می‌نگرد و در برابر کاستی‌های اخلاقی جهان امروز که با نظام الهی‌ای که در تجربه اربعینی زیسته، در تعارض است، به طغیان فکری و مقاومتی فعال دست می‌یازد و اینگونه است که انسان ایرانی از پس تجربه اربعین تاب ایستادن در برابر قدرتمندترین قدرت تاریخ جهان را می‌یابد و شجاعانه چشم در برابر چشم در مقابل دشمن سینه سپر می‌کند.

اربعین بزرگ‌ترین گردهمایی دینی تاریخ است و افزون بر آن چنانکه نظریه پادساختار و کامونیتاس ترنر تبیین می‌کند، می‌توان آن را والاترین تمرین عینی – انسانی برای امکان‌سنجی حیات و بقا ذیل یک نظام تمدنی بدیل به شمار آورد؛ رزمایشی فرهنگی و مستمر در برابر مصرف‌گرایی، سودگرایی مدرن و ناسیونالیسم ستیزه‌جوی مرزگرا و کور که انسان‌مدارترین، مساوات‌طلبانه‌ترین و قدسی‌ترین صورت ارتباط و اجتماع تمدن‌ساز را پیش چشم جماعه جهانی به تصویر می‌کشد؛ نظامی نویافته که نشان می‌دهد برودن‌داد عینی مقاومت، افزون بر حفظ خاک، شامل آفرینش الگوی بی برای زیست خارج از جهان مدرن نیز می‌شود.